

سند تحول و پیشرفت روستای ننیز
شهرستان رابر، استان کرمان
(متن پیشنهادی)



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

مرکز مطالعات و پژوهش های اقتصادی



فهرست

۱. شناسنامه و معرفی اولیه روستا..... ۴
- ۱-۱. موقعیت و هویت کلی روستا..... ۴
- ۱-۲. جمعیت و روند مهاجرت..... ۴
- ۱-۳. اقلیم، آب و کشاورزی..... ۵
- ۱-۴. اقتصاد و معیشت روستا..... ۶
- ۱-۵. زیرساخت‌ها و خدمات عمومی..... ۶
۲. سرمایه‌های روستای نینز..... ۷
- ۲-۱. جدول فهرست سرمایه‌های روستا..... ۷
- ۲-۲. سرمایه انسانی؛ نخبگان بیرونی و نیروهای محلی..... ۸
- ۲-۳. سرمایه طبیعی؛ آب، قنات، باغ، سد و زنبور..... ۹
- ۲-۴. سرمایه فیزیکی؛ زیرساخت‌های کوچک اما مهم..... ۱۰
- ۲-۵. سرمایه نهادی؛ نیازمند تقویت و هماهنگی..... ۱۱
- ۲-۶. سرمایه اجتماعی؛ بزرگ‌ترین مزیت نینز..... ۱۱
- ۲-۷. سرمایه فرهنگی؛ قم کوچک، وقف و جشن آب..... ۱۲
- ۲-۸. سرمایه مالی؛ منابع خرد برای تحول کوچک‌مقیاس..... ۱۳
۳. تحلیل SWOT روستای نینز..... ۱۴
- ۳-۱. نقاط قوت..... ۱۴
- ۳-۲. نقاط ضعف..... ۱۴
- ۳-۳. فرصت‌ها..... ۱۵
- ۳-۴. تهدیدها..... ۱۵
۴. پیشران تحول و پیشرفت روستا: الگوی کشت و کشاورزی پایدار..... ۱۶
- ۴-۱. تعریف پیشران..... ۱۶
- ۴-۲. چرا الگوی کشت پایدار برای نینز حیاتی است؟..... ۱۷
۵. بسته اقدامات پیشنهادی برای تحقق الگوی کشت و کشاورزی پایدار..... ۱۷
- ۵-۱. تشکیل کارگروه کشاورزی علمی نینز..... ۱۷
- ۵-۲. پایش منابع آب و احیای قنات‌ها..... ۱۸
- ۵-۳. آزمایش خاک و برنامه اصلاح تغذیه..... ۱۸
- ۵-۴. اجرای طرح پایلوت قبل از توسعه گسترده..... ۱۸



۱۹.....	۵-۵. بازطراحی آینده گردو.....
۱۹.....	۵-۶. توسعه زنبورداری و برند عسل ننیز.....
۱۹.....	۵-۷. ایجاد بازارچه محصولات محلی در جشن آب.....
۱۹.....	۵-۸. هدایت صندوق قرض الحسنه به سمت تولید.....
۲۰.....	۵-۹. تقویت نقش زنان و مشاغل خانگی.....
۲۰.....	۵-۱۰. تقویت زیرساخت راه و اینترنت.....
۲۰.....	۵-۱۱. تکمیل سالن اجتماعات و تبدیل آن به مرکز توسعه روستا.....
۲۱.....	۶. برنامه اجرایی پیشنهادی.....
۲۱.....	۶-۱. اقدامات کوتاه مدت؛ سال اول.....
۲۱.....	۶-۲. اقدامات میان مدت؛ سال دوم و سوم.....
۲۱.....	۶-۳. اقدامات بلندمدت؛ سال چهارم و پنجم.....
۲۲.....	۷. کانون تحول و پیشرفت روستای ننیز.....
۲۴.....	جمع بندی.....



۱. شناسنامه و معرفی اولیه روستا

۱-۱. موقعیت و هویت کلی روستا

نیز در استان کرمان، شهرستان رابر قرار دارد و از نظر اقلیمی، روستایی کوهستانی محسوب می‌شود. همین اقلیم کوهستانی، یکی از مهم‌ترین پایه‌های هویت و ظرفیت روستاست. در استان کرمان که بسیاری از مناطق آن با کم‌آبی، خشکی و اقلیم گرم شناخته می‌شوند، روستایی کوهستانی با منابع آبی، قنات‌ها، باغات گردو و ظرفیت جشن آب، جایگاه خاصی دارد.

نیز فقط یک نقطه سکونتگاهی نیست؛ یک اجتماع ریشه‌دار است. در گفت‌وگوهای محلی، بارها به هویت نیز، ساختار خویشاوندی قوی و افتخار اهالی به نام روستا اشاره شده است. این موضوع برای توسعه بسیار مهم است. بسیاری از روستاها ممکن است منابع طبیعی داشته باشند، اما اگر حس تعلق و هویت جمعی ضعیف باشد، اجرای طرح‌های توسعه دشوار می‌شود. نیز از این نظر سرمایه بزرگی دارد: مردم هنوز با روستا پیوند عاطفی، خانوادگی، مذهبی و فرهنگی دارند.

این پیوند اجتماعی می‌تواند نقطه آغاز تحول باشد. اگر برنامه توسعه فقط از بیرون نوشته شود و مردم آن را متعلق به خود ندانند، موفق نمی‌شود. اما در نیز، وجود ستاد سامان‌دهی، مشارکت مردم در کانال‌کشی نهر، صندوق قرض‌الحسنه، آیین‌های مذهبی و فعالیت‌های جمعی نشان می‌دهد که هنوز امکان شکل‌دهی به یک حرکت توسعه‌ای محلی وجود دارد.

۱-۲. جمعیت و روند مهاجرت

جمعیت فعلی نیز حدود ۵۴۰ نفر گزارش شده، در حالی که جمعیت آن در حدود ۱۰ تا ۱۵ سال قبل حدود ۱۰۰۰ نفر بوده است. این کاهش جمعیت، یکی از مهم‌ترین هشدارهای توسعه‌ای روستاست. برخلاف دشت‌خاک و قاسم‌آباد که روند جمعیت آن‌ها نسبتاً ثابت گزارش شده بود، نیز با روند کاهشی روبه‌روست. این یعنی مسئله توسعه در نیز، فقط افزایش درآمد نیست؛ بلکه حفظ حیات اجتماعی روستا نیز هست.

کاهش جمعیت معمولاً نشانه چند مسئله هم‌زمان است: کاهش درآمد کشاورزی، محدود شدن فرصت‌های شغلی، افت انگیزه جوانان، کاهش خدمات، ضعیف شدن دامداری، کاهش نیروی کار و فاصله گرفتن نسل جدید از روستا. در گفت‌وگوهای محلی نیز تأکید شده که اگر کشاورزی صرفه اقتصادی نداشته باشد، جوان‌ها مهاجرت می‌کنند و چرخه اقتصادی روستا تضعیف می‌شود.

بنابراین سند تحول نیز باید به یک سؤال اصلی پاسخ دهد: چگونه می‌توان ماندگاری در روستا را دوباره معنادار کرد؟ پاسخ این سؤال فقط با شعار ممکن نیست. جوان روستا زمانی می‌ماند که زمین درآمد داشته باشد، محصول بازار داشته باشد، زیرساخت قابل قبول باشد، اینترنت و راه و



خدمات بهتر شود، امکان کسب و کارهای مکمل مانند زنبورداری، صنایع تبدیلی، گردشگری رویدادی و مشاغل خانگی فراهم شود، و احساس کند آینده‌ای در روستا قابل ساختن است.

۱-۳. اقلیم، آب و کشاورزی

اقلیم نیز کوهستانی است و همین ویژگی برای باغداری، گردو، زردآلو، گل محمدی، بادام، زنبورداری و گردشگری فصلی اهمیت دارد. با این حال، کوهستانی بودن به تنهایی تضمین‌کننده پایداری کشاورزی نیست. در گفت‌وگوهای محلی، نگرانی اصلی مردم درباره آب و مدیریت منابع آبی است. حتی محصولات مقاوم نیز بدون آبیاری برنامه‌ریزی شده، بازده مناسبی ندارند. بنابراین پیش از هر تصمیم درباره توسعه کشت یا تغییر محصول، باید وضعیت آب به صورت دقیق مشخص شود.

نیز دارای حدود ۸ قنات است که برخی از آن‌ها خشک یا نیمه فعال شده‌اند. قنات‌ها فقط منبع آب نیستند؛ بخشی از هویت تاریخی و اقتصادی روستا هستند. احیای قنات‌ها، ثبت و پایش وضعیت آن‌ها، نقشه برداری و حتی ثبت مختصات منابع آبی، می‌تواند یکی از اقدامات پایه‌ای سند باشد.

سد شهید علی ژاله یا سد نیز نیز یکی از دارایی‌های مهم روستاست. این سد علاوه بر نقش آبی، می‌تواند در آینده با جشن آب، گردشگری محلی، بازارچه محصولات و رویدادهای بومی پیوند بخورد. با این حال، هرگونه بهره‌برداری از ظرفیت سد باید با نگاه دقیق به ایمنی، محیط زیست، آب کشاورزی و حقوق محلی انجام شود.



تصویر ۱: نمای روستای نیز در بستر کوهستان و منابع آبی

۱-۴. اقتصاد و معیشت روستا

اقتصاد نیز بر کشاورزی استوار است. شغل غالب مردان شامل کارگری، کشاورزی، دامداری، کارمندی و فعالیت معدنی است و زنان عمدتاً خانه‌دار و در کنار آن در کشاورزی نقش دارند. محصول اصلی کشاورزی گردو است. دامداری در حال حاضر کوچک و محدود است و طبق گفت‌وگوهای محلی، نسبت به گذشته کاهش یافته و بیشتر به سطح خانوادگی رسیده است.

کاهش دامداری یک نشانه مهم است. در بسیاری از روستاها، دامداری مکمل کشاورزی و منبع امنیت معیشتی خانوار بوده است. وقتی دامداری کاهش می‌یابد، یعنی یا نیروی کار کمتر شده، یا علوفه و آب و هزینه‌ها مشکل‌ساز شده، یا درآمد آن دیگر جذاب نیست. بنابراین در نیز نباید دامداری به عنوان محور اصلی توسعه در نظر گرفته شود، اما می‌توان آن را در سطح خانوادگی و مکمل حفظ کرد.

زنبورداری یکی از ظرفیت‌های جدیدتر و قابل توجه نیز است. در اطلاعات اولیه به حدود ۱۰ هزار کلونی زنبور اشاره شده و در گفت‌وگوهای محلی نیز زنبورداری به عنوان محور اقتصادی رو به رشد مطرح شده است. زنبورداری با اقلیم کوهستانی، باغات، گل‌ها، گیاهان طبیعی و امکان تولید عسل محلی پیوند دارد. اگر درست سازمان‌دهی شود، می‌تواند به یکی از مکمل‌های مهم کشاورزی پایدار نیز تبدیل شود.

از نظر خدمات محلی، روستا دارای چند سوپرمارکت، صافکاری، نقاشی، جوشکاری، نانوايي، تراکتور، کامیونت و کسب‌وکارهای کوچک است. این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد نیز هنوز زنده است، اما کوچک و شکننده است. برای تقویت این اقتصاد، باید فعالیت‌های جدیدی مانند فرآوری گردو، بسته‌بندی عسل، خشک‌کردن زردآلو، بازارچه محلی، صنایع تبدیلی کوچک و مشاغل خانگی به آن اضافه شود.

۱-۵. زیرساخت‌ها و خدمات عمومی

از نظر زیرساخت، نیز دارای منبع آب شرب، لوله‌کشی آب شرب و گازکشی کامل است. این‌ها سرمایه‌های مهمی برای کیفیت زندگی‌اند. در حوزه مذهبی و عمومی، روستا دارای مسجدی در حدود ۸۰۰ متر و حسینیه جدیدی در حدود ۶۰۰ متر است. سالن اجتماعات نیز در دست احداث است. زمین چمن مردمی به عنوان سرمایه ورزشی روستا مطرح شده است.

در حوزه آموزشی، روستا دارای دو مدرسه تا مقطع ابتدایی است، اما یکی از آن‌ها فعال است. در حوزه بهداشت، یک خانه بهداشت با حضور یک خانم فعال است. پست‌بانک نیز در روستا وجود دارد. پایگاه بسیج برادران نیز از جمله نهادهای محلی است.

با وجود این ظرفیت‌ها، در گفت‌وگوهای تکمیلی به برخی ضعف‌های زیرساختی مانند راه‌های خاکی، اینترنت ضعیف، نیاز به آسفالت و تقویت ارتباطات اشاره شده است. این موارد برای آینده



روستا بسیار مهم‌اند. اگر قرار باشد جوانان در روستا بمانند، کشاورزی علمی شود، بازار فروش توسعه یابد، گردشگری جشن آب شکل بگیرد، فروش عسل و محصولات باغی انجام شود و ارتباط با کارشناسان و بازارها برقرار شود، اینترنت و راه مناسب دیگر یک خدمت فرعی نیست؛ بلکه بخشی از زیرساخت توسعه است.

۲. سرمایه‌های روستای نیز

سرمایه‌های نیز از چند جنس متفاوت‌اند. بخشی از آن‌ها طبیعی‌اند: آب، قنات، زمین، باغات، سد، اقلیم کوهستانی. بخشی انسانی‌اند: مدیران، متخصصان، دانشگاہیان، مهندسان، فرهنگیان، هنرمندان، فعالان رسانه‌ای، کشاورزان باتجربه، زنبورداران و نیروهای محلی. بخشی اجتماعی و فرهنگی‌اند: وقف، صندوق قرض‌الحسنه، مشارکت در نهر، آیین‌های مذهبی، جشن آب، علم‌گردانی، تعزیه و هویت نیزی. بخشی هم فیزیکی و مالی‌اند: مسجد، حسینیه، زمین چمن، تراکتور، مغازه‌ها، نانوايي، کارگاه‌های خدماتی، کلونی‌های زنبور و صندوق مالی محلی.

نکته مهم این است که نیز شاید از نظر جمعیتی کوچک‌تر از دو روستای دیگر باشد، اما از نظر عمق سرمایه اجتماعی و هویتی بسیار قابل توجه است. همین ویژگی می‌تواند جبران‌کننده بخشی از محدودیت‌های جمعیتی و مالی باشد.

۲-۱. جدول فهرست سرمایه‌های روستا

نوع سرمایه	مصادیق اصلی در نیز	نقش بالقوه در توسعه روستا
سرمایه انسانی	مدیران و نخبگان وابسته به روستا، مهندسان، دانشگاہیان، فرهنگیان، فعالان رسانه‌ای، بهورز، دهیار، شورا، کشاورزان باتجربه، زنبورداران، نیروهای فنی	تصمیم‌سازی، مشاوره علمی، مدیریت پروژه، آموزش کشاورزان، مستندسازی، بازاریابی و پیگیری نهادی
سرمایه طبیعی	۳۰۰ هکتار باغات گردو، زردآلو، گل محمدی و بادام، سد نیز، ۸ قنات، منابع آب، اقلیم کوهستانی، حدود ۲۰۰ رأس دام، ظرفیت زنبورداری	پایه کشاورزی پایدار، باغداری، زنبورداری، احیای قنات، گردشگری آب و تولید محصولات محلی
سرمایه فیزیکی	مسجد ۸۰۰ متری، حسینیه ۶۰۰ متری، سالن اجتماعات در دست احداث، زمین چمن مردمی، منبع آب شرب، لوله‌کشی، گازکشی، مغازه‌ها، نانوايي‌ها، کارگاه‌های فنی، تراکتورها و کامیونت‌ها	زیرساخت اجتماعی، مذهبی، ورزشی، خدماتی و پشتیبان تولید



سرمایه نهادی	دهیاری، شورا، پایگاه بسیج، پست بانک، خانه بهداشت، مدرسه فعال، ستاد سامان دهی روستا، شرکت تعاونی روستا	هماهنگی محلی، پیگیری توسعه، خدمات عمومی، پشتیبانی مالی و سازمان دهی مشارکت
سرمایه اجتماعی	صندوق قرض الحسنه با گردش مالی چند میلیاردی، مشارکت مردم در ۸ کیلومتر کانال کشی نهر، ساخت زمین چمن، ساختار خویشاوندی، اعتماد و هویت محلی	اجرای طرح های جمعی، تأمین مالی خرد، کاهش بروکراسی، بسیج مردم و نگهداشت سرمایه اجتماعی
سرمایه فرهنگی	وقف گسترده، معروفیت مذهبی، دهه موقوفه، محرم، علم گردانی، تعزیه، جوش ننیزی، یادواره شهید ژاله، جشن آب، خرمن کوبی، موسیقی و آیین محلی	هویت بخشی، گردشگری فرهنگی و مذهبی، تقویت پیوند نسلی، معرفی روستا و ایجاد رویداد اقتصادی
سرمایه مالی	صندوق قرض الحسنه، ۴ باب مغازه، نانواپی ها، کارگاه های فنی، تراکتورها، کامیونت ها، ۱۰ هزار کلونی زنبور، باغات و محصولات کشاورزی	تأمین مالی خرد، ایجاد مشاغل کوچک، سرمایه گذاری در بهره وری کشاورزی، عسل، صنایع تبدیلی و بازارچه محلی

۲-۲. سرمایه انسانی؛ نخبگان بیرونی و نیروهای محلی

سرمایه انسانی نیز گسترده تر از جمعیت فعلی روستاست. در فهرست قانون پیشرفت، چهره هایی با سوابق مدیریتی، بانکی، دانشگاهی، مهندسی، فرهنگی، هنری، رسانه ای، کشاورزی، دامداری، بهداشتی و اجرایی دیده می شوند. این موضوع برای روستایی با جمعیت فعلی حدود ۵۴۰ نفر بسیار مهم است. یعنی نیز یک شبکه انسانی گسترده دارد که بخشی از آن ممکن است در خود روستا ساکن نباشد، اما همچنان به روستا تعلق و پیوند دارد.

این نوع سرمایه انسانی برای روستاهای در حال کاهش جمعیت بسیار ارزشمند است. وقتی جمعیت مقیم کاهش می یابد، ظرفیت اجرایی داخل روستا محدود می شود؛ اما اگر شبکه نخبگان و وابستگان روستا فعال شود، می تواند کمبودهای مدیریتی، فنی، مالی و ارتباطی را جبران کند. برای مثال، افراد دارای تجربه بانکی و مالی می توانند در طراحی صندوق توسعه محلی و مدل های تأمین مالی کمک کنند. مهندسان عمران، نقشه برداری و آب می توانند در احیای قنات ها، کانال ها، زیرساخت ها و پایش منابع آب مشارکت کنند. دانشگاهیان، پژوهشگران و متخصصان داده می توانند در تحلیل کشاورزی، آزمایش خاک، طراحی طرح پایلوت و ارزیابی اقتصادی نقش داشته باشند. فعالان رسانه ای و فرهنگی می توانند جشن آب، هویت نیز، آیین ها و محصولات محلی را معرفی کنند.



در گفت‌وگوهای محلی، تأکید شده که کشاورزی دیگر نباید فقط بر تجربه شخصی متکی باشد. این جمله برای نیز بسیار کلیدی است. سرمایه انسانی روستا باید به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که کشاورز تنها نماند. کشاورز باید به مهندس کشاورزی، کارشناس خاک، کارشناس آب، کارشناس بازار، و افراد باتجربه محلی دسترسی داشته باشد. اگر تصمیم‌ها همچنان فردی و پراکنده بماند، تغییر کشت می‌تواند پرهزینه و خطرناک باشد.

۲-۳. سرمایه طبیعی؛ آب، قنات، باغ، سد و زنبور

مهم‌ترین سرمایه طبیعی نیز آب و زمین است. وجود باغات گردو، زردآلو، گل محمدی، بادام، قنات‌ها و سد نیز نشان می‌دهد که پایه طبیعی توسعه روستا هنوز وجود دارد. اما این سرمایه طبیعی در وضعیت شکننده قرار گرفته است. گردو که محصول سنتی روستاست، به دلایلی مانند آفت، خشکسالی، کمبود عناصر غذایی، تغییر اقلیم و ضعف تغذیه خاک، بازده سابق را ندارد. در گفت‌وگوهای محلی به کمبود آهن در خاک منطقه اشاره شده که برای گردو اهمیت زیادی دارد. بنابراین مسئله اصلی فقط انتخاب محصول جایگزین نیست؛ بلکه باید ابتدا خاک اصلاح شود، تغذیه اصولی انجام گیرد و آبیاری کنترل‌شده طراحی شود.

این نکته بسیار مهم است: اگر مشکل خاک و آب حل نشود، تغییر محصول نیز ممکن است شکست بخورد. مثلاً پیشنهادهایی مانند گلابی، زردآلو، زعفران، گردوی پیوندی یا ارقام جدید، همگی باید بر اساس ارتفاع، اقلیم، خاک، آب و بازار بررسی شوند. هیچ نسخه عمومی و یکسانی برای نیز کافی نیست. الگوی کشت باید بر اساس واقعیت دقیق نیز طراحی شود.

قنات‌ها بخش دیگری از سرمایه طبیعی و هویتی روستا هستند. وجود حدود ۸ قنات، حتی اگر برخی خشک یا نیمه‌فعال باشند، نشان‌دهنده سابقه مدیریت آب در روستاست. احیای قنات‌ها، لایروبی، پایش دبی، ثبت GPS، بررسی مالکیت و حقاب، و اتصال آن‌ها به برنامه کشاورزی پایدار، باید یکی از محورهای مهم سند باشد.

سد نیز هم منبع آبی و هم سرمایه فرهنگی-گردشگری است. جشن آب که در اواخر اردیبهشت برگزار می‌شود و با آتش محلی، موسیقی و آیین بومی همراه است، می‌تواند به رویدادی مهم تبدیل شود. در استانی مثل کرمان، رویدادی با محوریت آب می‌تواند بسیار معنادار باشد؛ البته به شرط آنکه با احترام به منابع طبیعی، نظم، ایمنی، بازارچه محلی و روایت فرهنگی برگزار شود.

زنبورداری نیز سرمایه طبیعی-اقتصادی مهمی است. وجود حدود ۱۰ هزار کلونی زنبور ظرفیت قابل توجهی برای تولید عسل محلی ایجاد می‌کند. عسل نیز می‌تواند در کنار گردو، زردآلو خشک، گل محمدی و محصولات باغی به سبد محصول محلی تبدیل شود.





تصویر ۲: مسیر نهر سرمایه آبی روستا

۲-۴. سرمایه فیزیکی؛ زیرساخت‌های کوچک اما مهم

سرمایه فیزیکی نیز شاید در مقایسه با روستاهای بزرگ‌تر محدودتر باشد، اما برای جمعیت فعلی روستا معنادار است. مسجد ۸۰۰ متری و حسینیه جدید ۶۰۰ متری نشان می‌دهد که روستا از نظر فضاهای مذهبی و اجتماعی ظرفیت مناسبی دارد. این فضاها فقط برای عبادت یا مراسم نیستند؛ می‌توانند محل نشست‌های روستایی، آموزش کشاورزان، هماهنگی صندوق، جلسات کانون پیشرفت، رویدادهای فرهنگی و همایش‌های محلی باشند.

سالن اجتماعات در دست احداث نیز اگر تکمیل شود، می‌تواند یکی از زیرساخت‌های مهم توسعه باشد. نیز برای اجرای سند به فضایی نیاز دارد که در آن کارگاه آموزشی، جلسه کشاورزی، نشست کارشناسی، رویداد فرهنگی، نمایشگاه محصول و گردهمایی نخبگان برگزار شود. بنابراین تکمیل سالن اجتماعات باید در برنامه میان‌مدت روستا قرار گیرد.

زمین چمن مردمی نیز نشانه‌ای از مشارکت اجتماعی و توجه به جوانان است. در روستایی که با کاهش جمعیت و مهاجرت جوانان روبه‌روست، فضاهای ورزشی اهمیت زیادی دارند. ورزش می‌تواند ابزار نگهداشت جوانان، ایجاد نشاط، تقویت هویت محلی و کاهش آسیب‌های اجتماعی باشد.

در حوزه خدمات، وجود مغازه‌ها، نانوائی‌ها، صافکاری، نقاشی، جوشکاری، تراکتورها و کامیونت‌ها نشان می‌دهد که روستا حداقل‌هایی از خدمات محلی و ابزار تولید دارد. این زیرساخت‌ها می‌توانند در برنامه کشاورزی پایدار نقش داشته باشند. تراکتورها می‌توانند در اجرای طرح‌های کشاورزی و اصلاح باغات به کار گرفته شوند. کارگاه‌های فنی می‌توانند خدمات مورد نیاز کشاورزان را تأمین کنند. مغازه‌ها و نانوائی‌ها می‌توانند در زمان جشن آب و بازارچه محلی نقش بگیرند.



۲-۵. سرمایه نهادی؛ نیازمند تقویت و هماهنگی

سرمایه نهادی نیز شامل دهیاری، شورا، پست بانک، خانه بهداشت، مدرسه فعال، پایگاه بسیج، شرکت تعاونی روستا و ستاد سامان دهی روستاست. این نهادها اگر هماهنگ شوند، می توانند موتور اجرای سند باشند. اما اگر هر کدام جداگانه عمل کنند، ظرفیت روستا پراکنده می ماند.

در گفت وگوهای محلی، نقد مهمی نسبت به پشتیبانی نهادی در حوزه کشاورزی مطرح شده است: جهاد کشاورزی حضور دارد، اما کمک علمی واقعی کافی نیست و کشاورزان ناچارند خودشان به دنبال مهندس، اطلاعات و راهکار باشند. این نکته باید در سند جدی گرفته شود. اگر پیشران نیز کشاورزی علمی است، حضور واقعی کارشناسان ضروری است. جهاد کشاورزی، مراکز تحقیقاتی، دانشگاه ها و کارشناسان مستقل باید به برنامه روستا وصل شوند.

شرکت تعاونی روستا نیز می تواند نقشی کلیدی داشته باشد. اگر قرار است الگوی کشت، خرید نهاده، فروش محصول، بسته بندی، صنایع تبدیلی، عسل، گردو یا زردآلو سازمان دهی شود، تعاونی باید فعال تر شود. البته تعاونی زمانی موفق خواهد شد که شفاف، مورد اعتماد و نتیجه محور باشد.

پست بانک و صندوق قرض الحسنه نیز در تأمین مالی خرد اهمیت دارند. اما منابع مالی باید به سمت تولید و بهره وری هدایت شوند، نه فقط رفع نیازهای کوتاه مدت. برای مثال، وام های خرد می توانند برای اصلاح خاک، خرید نهال مناسب، تجهیزات آبیاری، بسته بندی عسل، خشک کن کوچک میوه، یا راه اندازی مشاغل خانگی استفاده شوند.

۲-۶. سرمایه اجتماعی؛ بزرگ ترین مزیت نیز

اگر بخواهیم یک سرمایه را به عنوان قوی ترین مزیت نیز معرفی کنیم، آن سرمایه اجتماعی است. مشارکت مردم در ۸ کیلومتر کانال کشی مسیر آب، مدیریت صندوق قرض الحسنه، ساخت زمین چمن، فعالیت های مذهبی، ساختار خویشاوندی، وقف، هیئت ها، جلسات قرآنی و تعلق خاطر به نام نیز، نشان می دهد که روستا هنوز از درون زنده است.

صندوق قرض الحسنه نیز یکی از مهم ترین نشانه های این سرمایه اجتماعی است. در اطلاعات اولیه، گردش مالی آن حدود ۲ میلیارد تومان و وام های حدود ۲۰ میلیون تومان ذکر شده؛ در گفت وگوهای تکمیلی نیز گردش مالی حدود ۲ تا ۳ میلیارد تومان و وام های خرد ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومانی مطرح شده است. مهم تر از رقم، اعتماد اجتماعی پشت این صندوق است. صندوقی که بدون بروکراسی پیچیده کار می کند، یعنی مردم هنوز به سازوکارهای محلی اعتماد دارند.

اما این سرمایه اجتماعی باید از سطح کمک و قرض الحسنه به سمت توسعه حرکت کند. به بیان ساده، صندوق می تواند فقط مشکل فوری افراد را حل کند، یا می تواند بخشی از آینده روستا را بسازد. اگر منابع صندوق به سمت طرح های کوچک تولیدی، اصلاح باغات، خرید تجهیزات،



بسته‌بندی عسل، مشاغل خانگی، صنایع تبدیلی و آموزش هدایت شود، نقش آن بسیار توسعه‌ای‌تر خواهد شد.

مشارکت مردم در کانال‌کشی نهر نیز نشان می‌دهد که نیز توان اجرای کارهای جمعی را دارد. این یک سرمایه کمیاب است. بسیاری از روستاها برای انجام یک پروژه کوچک نیازمند پیمانکار و بودجه بیرونی‌اند، اما نیز نشان داده که مردم می‌توانند در کارهای عمومی مشارکت کنند. این روحیه باید برای احیای قنات، جشن آب، بازارچه، الگوی کشت و صندوق توسعه به کار گرفته شود.

۲-۷. سرمایه فرهنگی؛ قم کوچک، وقف و جشن آب

نیز از نظر فرهنگی و مذهبی هویت پررنگی دارد. در اطلاعات روستا آمده که نیز به دلیل پایه‌های مذهبی و آسیب اجتماعی کمتر، به «قم کوچک» معروف بوده است. همچنین حدود یک‌پنجم روستا وقف خاص است و یک دهه موقوفه در حوالی دی‌ماه برگزار می‌شود. این میزان از وقف و هویت مذهبی، برای یک روستای کوچک بسیار قابل توجه است.

آیین‌هایی مانند محرم، علم‌گردانی، تعزیه، جوش نیز، جلسات قرآن و یادواره شهید ژاله، سرمایه‌های فرهنگی عمیق روستاست. این سرمایه‌ها علاوه بر معنای مذهبی، نقش اجتماعی دارند: مردم را کنار هم نگه می‌دارند، نسل‌ها را به هم وصل می‌کنند، حافظه جمعی را زنده نگه می‌دارند و روستا را از یک سکونتگاه صرف به یک جامعه هویت‌مند تبدیل می‌کنند.

جشن آب یکی از متفاوت‌ترین سرمایه‌های فرهنگی نیز است. این جشن که در اواخر اردیبهشت و هم‌زمان با سرریز سد یا محوریت آب برگزار می‌شود، همراه با ساز، موسیقی محلی، آتش محلی، رقص یا آیین بومی و خرمن‌کوبی است. در استانی که کم‌آبی یکی از دغدغه‌های اصلی است، جشن آب می‌تواند رویدادی بسیار معنادار باشد. این جشن می‌تواند به نماد نیز تبدیل شود؛ اما باید از حالت حداقلی خارج و به رویدادی منظم، فرهنگی، خانوادگی و اقتصادی تبدیل شود.

البته در طراحی جشن آب باید مراقب اصالت آن بود. هدف تجاری‌سازی سطحی نیست. هدف این است که یک آیین بومی حفظ شود، بهتر معرفی شود، مردم محلی از آن منتفع شوند، محصولات کشاورزی و عسل عرضه شود، گردشگران کنترل‌شده جذب شوند و هویت روستا تقویت شود.





تصویر ۳: سد ننیز

۲-۸. سرمایه مالی؛ منابع خرد برای تحول کوچک مقیاس

سرمایه مالی نیز بزرگ و صنعتی نیست، اما برای یک مدل توسعه کوچک مقیاس و محلی قابل استفاده است. صندوق قرض الحسنه، مغازه‌ها، نانوائی‌ها، کارگاه‌های فنی، تراکتورها، کامیونت‌ها، باغات، زنبورداری و محصولات کشاورزی، همگی منابع مالی یا مولد روستا هستند.

نکته کلیدی این است که نیز نباید منتظر سرمایه‌گذاری بزرگ بیرونی بماند. مسیر مناسب برای این روستا، توسعه تدریجی، خرد، مشارکتی و دانش‌بنیان است. یعنی ابتدا آزمایش خاک و آب انجام شود، چند باغ پایلوت اصلاح شود، چند محصول محدود آزمون شود، بسته‌بندی عسل و گردو در مقیاس کوچک آغاز شود، جشن آب به بازارچه محصول وصل شود، و صندوق محلی بخشی از منابع خود را به تولید اختصاص دهد.

این نوع توسعه شاید در ظاهر کوچک باشد، اما برای نیز مناسب‌تر است؛ زیرا با جمعیت فعلی، ساختار اجتماعی و ظرفیت مالی روستا سازگار است. اگر پروژه‌های بزرگ و پرهزینه بدون مطالعه وارد شوند، خطر شکست و بی‌اعتمادی بالا می‌رود. اما اگر اقدامات کوچک، علمی، قابل مشاهده و سودآور باشند، مردم دوباره به آینده کشاورزی و ماندگاری در روستا امیدوار می‌شوند.



۳. تحلیل SWOT روستای ننیز

تحلیل SWOT ننیز باید واقع‌بینانه باشد. این روستا سرمایه‌های ارزشمند دارد، اما چالش‌های آن نیز جدی است. اگر فقط از ظرفیت‌ها بگوییم، سند به متن تبلیغاتی تبدیل می‌شود؛ اگر فقط از مشکلات بگوییم، امید و مسیر اقدام از بین می‌رود. بنابراین باید هر دو وجه را کنار هم دید.

۳-۱. نقاط قوت

نخستین نقطه قوت ننیز، وجود منابع آب، قنات‌ها، سد و زمین‌های کشاورزی است. در شرایطی که بسیاری از روستاهای استان کرمان با محدودیت شدید آب روبه‌رو هستند، وجود منابع آبی و سابقه مدیریت سنتی آب در ننیز یک سرمایه مهم است؛ هرچند همین سرمایه نیازمند مدیریت و احیاست.

دومین نقطه قوت، سابقه باغداری و کشاورزی است. گردو، زردآلو، گل محمدی، بادام و ظرفیت زنبورداری نشان می‌دهد که ننیز پایه طبیعی و مهارتی لازم برای کشاورزی متنوع را دارد.

سومین نقطه قوت، مشارکت و همبستگی اجتماعی است. مشارکت مردم در کانال‌کشی ۸ کیلومتری نهر، صندوق قرض‌الحسنه فعال، ساخت زمین چمن و آیین‌های جمعی، نشان می‌دهد که مردم ننیز توان کار گروهی دارند.

چهارمین نقطه قوت، وقف و ظرفیت مذهبی است. وقف گسترده، معروفیت مذهبی، مراسم محرم، علم‌گردانی، تعزیه و جوش ننیزی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی مهمی برای روستا ایجاد کرده‌اند.

پنجمین نقطه قوت، وجود شبکه انسانی و نخبگان وابسته به روستاست. در کانون پیشرفت، افراد دارای تجربه مدیریتی، بانکی، دانشگاهی، مهندسی، فرهنگی، هنری و رسانه‌ای دیده می‌شوند. این شبکه می‌تواند برای روستا نقش پشتیبان فکری و اجرایی داشته باشد.

ششمین نقطه قوت، جشن آب و ظرفیت گردشگری فرهنگی-طبیعی است. جشن آب می‌تواند رویداد هویت‌ساز و اقتصادی ننیز باشد.

۳-۲. نقاط ضعف

نخستین ضعف، روند کاهشی جمعیت است. کاهش جمعیت از حدود ۱۰۰۰ نفر به حدود ۵۴۰ نفر نشان می‌دهد که روستا با مسئله جدی مهاجرت و کاهش نیروی انسانی مواجه است.

دومین ضعف، وابستگی زیاد اقتصاد به کشاورزی کم‌بازده و سنتی است. اگر کشاورزی سودآور نباشد، معیشت روستا آسیب می‌بیند و مهاجرت ادامه می‌یابد.



سومین ضعف، نبود الگوی کشت علمی و هماهنگ است. در گفت‌وگوهای محلی تأکید شده که تجربه فردی دیگر کافی نیست و تصمیم‌گیری باید بر اساس آب، خاک، اقلیم، رقم مناسب و بازار انجام شود. این یعنی در حال حاضر شکاف دانشی و سازمانی در کشاورزی وجود دارد.

چهارمین ضعف، خرد شدن زمین‌ها بر اثر تقسیم ارث است. زمین‌های خرد، اجرای طرح‌های اقتصادی، آبیاری مدرن، مکانیزاسیون و فروش منظم محصول را دشوارتر می‌کنند.

پنجمین ضعف، ضعف بازار فروش و صنایع تبدیلی است. حتی اگر تولید افزایش یابد، بدون بازار و فرآوری، سرمایه‌گذاری در کشاورزی نتیجه کافی نخواهد داشت.

ششمین ضعف، زیرساخت‌های ارتباطی و راه است. اینترنت ضعیف و راه‌های نامناسب، مانع آموزش، فروش، گردشگری، ارتباط با کارشناسان و جذب سرمایه می‌شود.

۳-۳. فرصت‌ها

نخستین فرصت، طراحی الگوی کشت پایدار و علمی است. نیز می‌تواند با آزمایش خاک، بررسی منابع آب، انتخاب ارقام مناسب و اجرای پایلوت، از کشاورزی سنتی به کشاورزی هوشمندتر حرکت کند.

دومین فرصت، احیای قنات‌ها و مدیریت جامع منابع آب است. اگر قنات‌ها پایش، لایروبی و مدیریت شوند، می‌توانند بخشی از امنیت آبی روستا را تقویت کنند.

سومین فرصت، توسعه زنبورداری و برند عسل نیز است. عسل می‌تواند محصولی مکمل، کم‌حجم، قابل بسته‌بندی و قابل فروش در بازارچه‌ها و جشن آب باشد.

چهارمین فرصت، تبدیل جشن آب به رویداد اقتصادی-فرهنگی است. این جشن می‌تواند با بازارچه محصولات کشاورزی، عسل، گردو، زردآلو، غذاهای محلی و آیین‌های بومی همراه شود.

پنجمین فرصت، استفاده از صندوق قرض‌الحسنه برای کارآفرینی خرد است. منابع خرد محلی می‌توانند به سمت تولید، بهره‌وری و مشاغل خانگی هدایت شوند.

ششمین فرصت، فعال‌سازی شبکه نخبگان نیز است. افراد وابسته به روستا می‌توانند در تدوین طرح، جذب حمایت، ارتباط با نهادها، تولید محتوا، آموزش و بازاریابی نقش‌آفرینی کنند.

۳-۴. تهدیدها

نخستین تهدید، تداوم کاهش جمعیت است. اگر درآمد کشاورزی و کیفیت زندگی بهتر نشود، مهاجرت جوانان ادامه خواهد یافت و روستا با پیری جمعیت و کمبود نیروی کار مواجه می‌شود.



دومین تهدید، باقی ماندن کشاورزی در سطح سنتی است. اگر اصلاح خاک، مدیریت آب، انتخاب رقم مناسب و بازار جدی گرفته نشود، کشاورزی روستا ممکن است بیشتر تضعیف شود.

سومین تهدید، تصمیم‌گیری غیرعلمی در تغییر کشت است. تغییر محصول بدون مطالعه می‌تواند هزینه‌های سنگین به کشاورزان تحمیل کند و اعتماد مردم به برنامه‌های توسعه را کاهش دهد.

چهارمین تهدید، ضعف بازار است. تولید محصول بدون بازار تضمین‌شده، می‌تواند به زیان کشاورزان منجر شود.

پنجمین تهدید، فرسایش سرمایه اجتماعی در صورت بی‌نتیجه ماندن اقدامات است. اگر مردم چند بار مشارکت کنند اما نتیجه نبینند، اعتماد و انگیزه اجتماعی کاهش می‌یابد.

ششمین تهدید، تخریب یا فراموشی قنات‌ها و آیین‌های محلی است. اگر قنات‌ها، جشن آب، علم‌گردانی و دیگر آیین‌ها مستندسازی و تقویت نشوند، بخشی از هویت نیز در معرض کمرنگ شدن قرار می‌گیرد.

۴. پیشران تحول و پیشرفت روستا: الگوی کشت و

کشاورزی پایدار

۴-۱. تعریف پیشران

پیشران اصلی تحول نیز، الگوی کشت و کشاورزی پایدار است. اما این مفهوم نباید ساده‌سازی شود. الگوی کشت پایدار فقط این نیست که به کشاورز گفته شود چه محصولی بکارد. الگوی کشت پایدار یعنی تصمیم‌گیری درباره کشاورزی بر اساس پنج عنصر اصلی: آب، خاک، اقلیم، بازار و توان اجتماعی.

در نیز، این پیشران باید چند بخش داشته باشد:

نخست، شناخت دقیق منابع آب؛ یعنی میزان، کیفیت، پایداری، قنات‌ها، سد، چشمه‌ها، نهرها و الگوی مصرف.

دوم، شناخت خاک؛ یعنی آزمایش خاک، تشخیص کمبودها، اصلاح تغذیه، بررسی عناصر مهم مانند آهن و انتخاب محصول متناسب.

سوم، انتخاب محصول و رقم مناسب؛ یعنی بررسی گردوی پیوندی، زردآلو، گلابی، زعفران، گل محمدی، بادام، عسل و سایر گزینه‌ها بر اساس واقعیت نیز.



چهارم، اجرای پایلوت؛ یعنی ابتدا در مقیاس محدود آزمایش شود، سپس در صورت موفقیت گسترش یابد.

پنجم، تضمین بازار؛ یعنی قبل از توسعه کشت، مسیر فروش، بسته‌بندی، فرآوری و خریدار مشخص شود.

ششم، مشارکت اجتماعی؛ یعنی کشاورزان، صندوق، نخبگان، جهاد کشاورزی، دهیاری و شورا در یک مسیر مشترک قرار گیرند.

۴-۲. چرا الگوی کشت پایدار برای نیز حیاتی است؟

برای نیز، الگوی کشت پایدار فقط یک پروژه اقتصادی نیست؛ مسئله بقا و ماندگاری است. وقتی جمعیت روستا کاهش یافته و جوانان مهاجرت می‌کنند، باید دید چه چیزی می‌تواند دوباره ماندن را اقتصادی و معنادار کند. پاسخ اصلی در نیز، زمین و کشاورزی است. اگر زمین درآمد داشته باشد، روستا نفس می‌کشد. اگر زمین بی‌صرفه شود، روستا به سکونتگاه فصلی یا خاطره‌ای خانوادگی تبدیل می‌شود.

گردو محصول سنتی روستاست، اما کاهش بازده آن نشان می‌دهد که ادامه مسیر قبلی بدون اصلاح ممکن نیست. از سوی دیگر، تغییر ناگهانی و بدون مطالعه نیز خطرناک است. بنابراین راه درست، نه حفظ کورکورانه وضع موجود است و نه تغییر شتاب‌زده. راه درست، کشاورزی علمی و مرحله‌ای است.

الگوی کشت پایدار می‌تواند نیز را از وضعیت «نگرانی و پراکندگی» به وضعیت «تصمیم‌گیری آگاهانه و جمعی» منتقل کند. این پیشران می‌تواند آب، خاک، صندوق، قنات، زنبورداری، باغداری، جشن آب و بازار را به هم وصل کند.

۵. بسته اقدامات پیشنهادی برای تحقق الگوی کشت و

کشاورزی پایدار

۵-۱. تشکیل کارگروه کشاورزی علمی نیز

نخستین اقدام، تشکیل کارگروه کشاورزی علمی نیز است. این کارگروه باید زیر نظر قانون پیشرفت یا ستاد سامان‌دهی روستا فعالیت کند و اعضای آن شامل کشاورزان باتجربه، دهیار، شورا، نماینده صندوق قرض‌الحسنه، زنبورداران، کارشناسان کشاورزی، متخصصان آب و خاک و نخبگان وابسته به روستا باشد.



وظیفه این کارگروه آن است که تصمیم‌های کشاورزی را از حالت فردی، پراکنده و تجربی صرف خارج کند و به سمت تصمیم‌گیری علمی و جمعی ببرد. این کارگروه باید نقشه راه کشاورزی روستا را تهیه کند، اولویت‌ها را مشخص کند، کارشناسان را دعوت کند، آزمایش‌ها را پیگیری کند و نتایج را به زبان ساده به کشاورزان منتقل کند.

۵-۲. پایش منابع آب و احیای قنات‌ها

پیش از هر تصمیم درباره کشت، باید وضعیت آب مشخص شود. لازم است همه منابع آبی نیز شامل قنات‌ها، نهرها، سد، چشمه‌ها و منابع مورد استفاده کشاورزی شناسایی، نقشه‌برداری و پایش شوند. برای هر قنات باید وضعیت فعلی، میزان آبدهی، مشکلات، نیاز به لایروبی، مالکیت، حقابه و امکان احیا مشخص شود.

ثبت GPS قنات‌ها و منابع آب، تهیه نقشه آبی روستا و پایش سالانه آبدهی می‌تواند تصمیم‌گیری را علمی‌تر کند. اگر آب محدود است، الگوی کشت باید با این محدودیت هماهنگ شود. اگر برخی منابع قابل احیا هستند، باید اولویت سرمایه‌گذاری مشخص شود.

۵-۳. آزمایش خاک و برنامه اصلاح تغذیه

گام دوم، آزمایش خاک در نقاط مختلف باغات و اراضی است. اطلاعات محلی نشان می‌دهد که کمبود آهن در خاک منطقه مطرح شده و برای گردو اهمیت دارد. اما نباید فقط به یک شاخص اکتفا کرد. آزمایش خاک باید عناصر غذایی، شوری، بافت، pH، مواد آلی و وضعیت عمومی خاک را مشخص کند.

پس از آزمایش، باید برنامه اصلاح خاک تهیه شود. کوددهی علمی، مصرف عناصر ریزمغذی، اصلاح مواد آلی، مدیریت شوری، و استفاده از روش‌های تغذیه مناسب می‌تواند بازده باغات را افزایش دهد. در بسیاری از موارد، ممکن است مشکل اصلی محصول نه نوع درخت، بلکه ضعف تغذیه و مدیریت خاک باشد.

۵-۴. اجرای طرح پایلوت قبل از توسعه گسترده

یکی از مهم‌ترین توصیه‌های سند، اجرای پایلوت است. نیز نباید یک‌باره سطح وسیعی از باغات یا زمین‌ها را به محصول جدید اختصاص دهد. هر محصول پیشنهادی مانند گردوی پیوندی، گلابی، زردآلو، زعفران، گل محمدی یا بادام باید ابتدا در مقیاس محدود، با نظر کارشناس و در زمین‌های نمونه آزمایش شود.

پایلوت باید حداقل چند معیار داشته باشد: مصرف آب، سازگاری با خاک، عملکرد اقتصادی، نیاز به نیروی کار، خطر آفت، امکان فروش و زمان بازگشت سرمایه. پس از مشاهده نتایج، می‌توان



درباره توسعه آن تصمیم گرفت. این روش ریسک کشاورزان را کاهش می‌دهد و اعتماد مردم را افزایش می‌دهد.

۵-۵. بازطراحی آینده گردو

گردو محصول اصلی و سنتی نیز است و نباید به سادگی کنار گذاشته شود. اما باید آینده آن بازطراحی شود. چند اقدام در این زمینه ضروری است: شناسایی باغات کم‌بازده، بررسی آفات و بیماری‌ها، اصلاح تغذیه، بررسی امکان پیوند ارقام مناسب، مدیریت آبیاری و آموزش باغداران.

اگر برخی باغات گردو با اصلاح خاک، تغذیه و پیوند قابل احیا باشند، حفظ آن‌ها منطقی است. اگر برخی زمین‌ها دیگر برای گردو مناسب نباشند، باید گزینه جایگزین علمی بررسی شود. هدف، تصمیم‌گیری موردی و دقیق است، نه حکم کلی برای همه باغات.

۵-۶. توسعه زنبورداری و برند عسل نیز

زنبورداری یکی از فرصت‌های جدی نیز است. وجود حدود ۱۰ هزار کلونی زنبور ظرفیت مهمی ایجاد می‌کند. اما برای تبدیل زنبورداری به صنعت محلی، باید چند اقدام انجام شود: آموزش زنبورداران، کنترل کیفیت عسل، بسته‌بندی مناسب، ثبت نام یا نشان محلی، فروش در جشن آب و بازارچه، و اتصال به گردشگری روستایی.

عسل نیز می‌تواند در کنار گردو و زردآلو، یکی از محصولات اصلی برند روستا باشد. ترکیب عسل، گردو، زردآلو خشک و دمنوش‌های محلی می‌تواند به بسته سوغات نیز تبدیل شود.

۵-۷. ایجاد بازارچه محصولات محلی در جشن آب

جشن آب باید به بازارچه محصولات محلی متصل شود. در این بازارچه می‌توان عسل، گردو، زردآلو، محصولات خشک، نان محلی، آش محلی، گل محمدی، محصولات خانگی و صنایع دستی را عرضه کرد. این بازارچه می‌تواند ابتدا فقط در زمان جشن آب برگزار شود و سپس در مناسبت‌های دیگر نیز تکرار شود.

بازارچه باید ساده اما منظم باشد. قیمت‌ها مشخص، غرفه‌ها مرتب، محصولات تمیز و بسته‌بندی‌ها قابل قبول باشند. اگر گردشگر یا مهمان به نیز می‌آید اما محصولی برای خرید نمی‌بیند، فرصت اقتصادی از دست می‌رود.

۵-۸. هدایت صندوق قرض‌الحسنه به سمت تولید

صندوق قرض‌الحسنه نیز باید نقش توسعه‌ای بیشتری پیدا کند. بخشی از وام‌های صندوق می‌تواند به فعالیت‌های مولد اختصاص یابد؛ مانند خرید تجهیزات آبیاری، اصلاح خاک، خرید



نهال مناسب، بسته‌بندی عسل، خشک‌کن میوه، کارگاه کوچک فرآوری گردو، مشاغل خانگی زنان و تولید محصولات محلی.

برای کاهش ریسک، صندوق می‌تواند وام‌های تولیدی را به طرح‌هایی بدهد که توسط کارگروه کشاورزی یا کانون پیشرفت تأیید شده‌اند. این کار باعث می‌شود منابع مالی خرد به سمت فعالیت‌های حساب‌شده‌تر برود.

۵-۹. تقویت نقش زنان و مشاغل خانگی

زنان نیز باید در سند توسعه نقش جدی داشته باشند. مشاغل خانگی مرتبط با کشاورزی و فرهنگ محلی می‌تواند شامل خشک‌کردن زردآلو، بسته‌بندی گردو، تولید نان و آش محلی، بسته‌بندی عسل، تهیه محصولات گیاهی، دوخت و صنایع دستی، و مشارکت در جشن آب باشد.

اگر زنان در زنجیره ارزش محصولات محلی وارد شوند، درآمد خانوار افزایش می‌یابد و توسعه روستا فراگیرتر می‌شود. برای این کار، آموزش، فضای کار کوچک، بسته‌بندی، بازاریابی و حمایت صندوق لازم است.

۵-۱۰. تقویت زیرساخت راه و اینترنت

کشاورزی علمی، فروش محصول، گردشگری جشن آب و ارتباط با کارشناسان بدون زیرساخت ارتباطی مناسب دشوار است. بنابراین آسفالت راه‌های اولویت‌دار، بهبود اینترنت و آنتن‌دهی، و تقویت ارتباطات باید در فهرست مطالبات اصلی روستا قرار گیرد.

این اقدامات شاید مستقیماً کشاورزی نباشند، اما پیش‌شرط توسعه‌اند. کشاورز برای دیدن آموزش، ارتباط با بازار، فروش اینترنتی، مشاوره با کارشناس و هماهنگی با مشتری به اینترنت نیاز دارد. گردشگر نیز برای انتخاب مقصد و معرفی تجربه خود به ارتباطات نیازمند است.

۵-۱۱. تکمیل سالن اجتماعات و تبدیل آن به مرکز توسعه روستا

سالن اجتماعات در دست احداث باید به مرکز آموزش و هماهنگی توسعه تبدیل شود. این سالن می‌تواند محل کارگاه‌های کشاورزی، جلسات صندوق، نشست‌های کانون پیشرفت، نمایشگاه محصولات، رویدادهای فرهنگی، جلسات بانوان و برنامه‌های جوانان باشد.

اگر سالن فقط یک فضای ساختمانی باقی بماند، اثر توسعه‌ای آن محدود است. اما اگر برنامه‌محور شود، می‌تواند قلب اجتماعی و آموزشی نیز باشد.



۶. برنامه اجرایی پیشنهادی

۶-۱. اقدامات کوتاه مدت؛ سال اول

در سال اول، هدف باید شناخت دقیق، سازمان دهی و شروع اقدامات کم هزینه اما مؤثر باشد. اقدامات پیشنهادی عبارتند از:

تشکیل کارگروه کشاورزی علمی نیز، تهیه فهرست کشاورزان و باغات اصلی، شناسایی قنات ها و منابع آب، انجام آزمایش خاک در چند نقطه نمونه، دعوت از کارشناسان کشاورزی و آب، بررسی وضعیت گردو و آفات، شناسایی زنبورداران، تهیه برنامه اولیه جشن آب، طراحی بازارچه کوچک محصولات محلی، تشکیل کمیته بانوان، و تعیین چند باغ یا زمین پایلوت برای آزمون اصلاح خاک یا کشت جایگزین.

در همین سال باید یک اقدام نمادین و قابل مشاهده انجام شود؛ مثلاً برگزاری جشن آب با بازارچه منظم محصولات محلی، یا اجرای پایلوت اصلاح تغذیه در چند باغ گردو. مردم باید نتیجه اولیه را ببینند تا اعتماد به سند افزایش یابد.

۶-۲. اقدامات میان مدت؛ سال دوم و سوم

در مرحله میان مدت، باید نتایج پایلوت ها بررسی و اقدامات موفق گسترش یابد. اگر اصلاح خاک در باغات گردو نتیجه داد، باید به باغات دیگر تعمیم داده شود. اگر محصول جایگزین در مقیاس محدود موفق بود، باید با احتیاط توسعه یابد. اگر بسته بندی عسل یا گردو فروش خوبی داشت، باید برند محلی و بازارچه تقویت شود.

در این مرحله، صندوق قرض الحسنه باید بخشی از منابع خود را به وام های تولیدی اختصاص دهد. کارگاه های خانگی و صنایع تبدیلی کوچک باید شکل بگیرند. جشن آب باید به رویداد منظم تر و شناخته شده تری تبدیل شود. همچنین پیگیری زیرساخت راه، اینترنت و تکمیل سالن اجتماعات باید جدی تر دنبال شود.

۶-۳. اقدامات بلند مدت؛ سال چهارم و پنجم

در بلند مدت، نیز باید به روستایی با کشاورزی علمی، محصولات محلی مشخص، جشن آب شناخته شده و صندوق توسعه محور تبدیل شود. در این افق، قنات ها باید پایش و بخشی از آن ها احیا شده باشند، الگوی کشت بر اساس داده و تجربه پایلوت ها مشخص شده باشد، عسل و گردوی نیز بسته بندی و عرضه شوند، بازارچه جشن آب جایگاه منطقه ای پیدا کند و بخشی از جوانان انگیزه بازگشت یا ماندن در روستا داشته باشند.



هدف نهایی این نیست که نیز به روستایی بزرگ و پرجمعیت تبدیل شود؛ هدف این است که به روستایی پایدار، زنده، سودآور، هویت‌مند و قابل ماندن تبدیل شود.

۷. کانون تحول و پیشرفت روستای نیز

کانون پیشرفت نیز یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجرایی سند است. این کانون باید از فهرست افراد فراتر رود و به ساختاری عملیاتی تبدیل شود. پیشنهاد می‌شود کانون در چند کمیته فعالیت کند:

کمیته کشاورزی علمی و الگوی کشت، کمیته آب و قنات، کمیته صندوق و تأمین مالی خرد، کمیته جشن آب و فرهنگ محلی، کمیته بانوان و مشاغل خانگی، کمیته زیرساخت و مطالبه‌گری، کمیته رسانه و معرفی روستا، و کمیته نخبگان و مشاوره تخصصی.

در اطلاعات پایه، افراد زیر به عنوان اعضای کانون پیشرفت و ستاد سامان‌دهی روستا معرفی شده‌اند:

ردیف	نام و نام خانوادگی	حوزه فعالیت و ظرفیت پیشنهادی در سند
۱	حسن امیری	تجربه مدیریتی، بانکی، اقتصادی و اتاق بازرگانی؛ مناسب برای راهبری کلان، تأمین مالی و پیگیری نهادی
۲	حسن افضلی	پاسدار بازنشسته، معتمد و عضو هیئت امنای حسینیه؛ مناسب برای هماهنگی اجتماعی و فرهنگی
۳	عباس‌علی افضلی	تجربه فنی، فروش، بازرگانی و مدیریت شرکت مهندسی؛ مناسب برای زیرساخت، انرژی و پیگیری فنی
۴	علی افضلی	رزمنده و معتمد روستا؛ مناسب برای سرمایه اجتماعی و حل اختلافات محلی
۵	یحیی افضلی	مهندس نقشه‌بردار با سابقه سد، تونل، راه و کانال؛ مناسب برای آب، قنات، نقشه‌برداری و زیرساخت
۶	اکبر افضلی	بازنشسته بخشداری و عضو سابق شورا؛ مناسب برای پیگیری اداری و ارتباط با دستگاه‌ها
۷	سید علی افضلی	معتمد و فعال امور عام‌المنفعه؛ مناسب برای مشارکت مردمی
۸	محمود افضلی	معلم بازنشسته و کشاورز؛ مناسب برای آموزش و پیوند با کشاورزان
۹	احمد افضلی	دکترای علوم سیاسی و تجربه دانشگاهی و مدیریتی؛ مناسب برای سیاست‌گذاری محلی و تدوین برنامه



۱۰	سیاوش افضلی	کارشناس مدیریت و کارمند بانک؛ مناسب برای صندوق، امور مالی و برنامه‌ریزی
۱۱	عباس افضلی	هنرمند، عکاس و عضو هیئت علمی؛ مناسب برای مستندسازی، هویت بصری و معرفی جشن آب
۱۲	مهدی افضلی	مهندس عمران و ناظر پروژه‌های بهداشتی و درمانی؛ مناسب برای زیرساخت و فضاهای عمومی
۱۳	راضیه افضلی	کارشناس مدیریت دولتی و برنامه‌ریزی رسانه‌ای؛ مناسب برای برنامه‌ریزی و ارتباطات
۱۴	زینب افضلی	فعال بسیج، فرهنگی و کارشناس شرکت فناور؛ مناسب برای جوانان، بانوان و فناوری
۱۵	وحید قنبری	دکترای ادبیات فارسی و پژوهشگر؛ مناسب برای روایت فرهنگی، آیین‌ها و مستندسازی هویت نیز
۱۶	حمید حسینیخانی	دکترای آمار و ریاضی، تحلیل داده و طرح‌های توجیهی؛ مناسب برای تحلیل اقتصادی، پایلوت‌ها و ارزیابی طرح‌ها
۱۷	یامین حسینیخانی	بهورز و مداح؛ مناسب برای سلامت، فرهنگ و ارتباط مردمی
۱۸	محمود ژاله	رئیس شرکت تعاونی و رئیس شورا؛ مناسب برای سازمان‌دهی کشاورزان و اجرای محلی
۱۹	هادی ژاله	دهیار و کارشناس فناوری اطلاعات؛ مناسب برای مدیریت اجرایی و ارتباطات دیجیتال
۲۰	احسان ژاله	حسابدار، نیروی فنی و دامدار؛ مناسب برای مالی، دامداری و خدمات فنی
۲۱	محمد افضلی‌نسب	کارمند آموزش و پرورش و عضو هیئت امنای حسینیه؛ مناسب برای آموزش و فرهنگ
۲۲	مهدیه آقاملایی	معلم، فرمانده پایگاه و سرگروه جهادی؛ مناسب برای بانوان، آموزش و فعالیت جهادی
۲۳	فهمیه طالبی‌نیا	فعال فرهنگی، رسانه‌ای و مطالبه‌گر؛ مناسب برای اطلاع‌رسانی، تولید محتوا و پیگیری مشکلات
۲۴	حسن افضلی	زنبوردار؛ مناسب برای توسعه عسل و زنبورداری

این فهرست نشان می‌دهد که نیز از نظر انسانی فقیر نیست؛ مسئله اصلی، سازمان‌دهی این ظرفیت‌هاست. اگر هر فرد بر اساس توان خود در یک کمیته مشخص قرار گیرد، کانون پیشرفت می‌تواند به موتور واقعی تحول تبدیل شود.



جمع‌بندی

نیز روستایی است با گذشته‌ای پررنگ، هویتی عمیق و سرمایه اجتماعی نیرومند؛ اما آینده آن نیازمند تصمیم‌های دقیق و علمی است. این روستا آب، زمین، قنات، سد، باغ، وقف، صندوق، آیین، جشن آب و شبکه انسانی ارزشمند دارد. اما در کنار این ظرفیت‌ها، با کاهش جمعیت، افت بهره‌وری کشاورزی، ضعف بازار، خرد شدن زمین‌ها، کمبود نیروی کار، ضعف زیرساخت و نگرانی درباره آب روبه‌روست.

مسیر پیشنهادی این سند آن است که نیز با محوریت الگوی کشت و کشاورزی پایدار وارد مرحله جدیدی از توسعه شود. این الگو باید بر پایه شناخت دقیق آب و خاک، اصلاح باغات، اجرای پایلوت، انتخاب محصول مناسب، توسعه زنبورداری، ایجاد بازارچه محصولات محلی، هدایت صندوق قرض‌الحسنه به سمت تولید، احیای قنات‌ها و فعال‌سازی کانون پیشرفت اجرا شود.

نیز نباید در دام دو خطا بیفتد: خطای اول، ادامه کشاورزی سنتی بدون اصلاح؛ خطای دوم، تغییر شتاب‌زده محصول بدون مطالعه. راه درست، حرکت مرحله‌ای، علمی، مشارکتی و کم‌ریسک است. ابتدا باید واقعیت آب و خاک روشن شود، سپس چند طرح محدود اجرا شود، بعد نتایج سنجیده شود و در نهایت اقدامات موفق گسترش یابد.

در کنار کشاورزی، جشن آب می‌تواند به نماد فرهنگی و اقتصادی روستا تبدیل شود. این جشن اگر با بازارچه عسل، گردو، زردآلو، نان محلی، آش محلی، محصولات خانگی و روایت هویت نیز همراه شود، می‌تواند هم فرهنگ روستا را زنده نگه دارد و هم درآمد محلی ایجاد کند.

سرمایه اجتماعی نیز بزرگ‌ترین پشتوانه اجرای این سند است. مردمی که ۸ کیلومتر کانال‌کشی را با مشارکت خود انجام داده‌اند، صندوق قرض‌الحسنه فعال دارند، در آیین‌ها کنار هم می‌ایستند و با افتخار خود را نیز می‌دانند، ظرفیت اجرای تحول را دارند. اکنون نیاز اصلی آن است که این مشارکت با دانش، برنامه، بازار و مدیریت منابع پیوند بخورد.

اگر نیز بتواند کشاورزی خود را علمی کند، منابع آب خود را مدیریت کند، صندوق خود را توسعه‌محور کند، زنبورداری و محصولات محلی را تقویت کند، جشن آب را به رویداد اقتصادی-فرهنگی تبدیل کند و شبکه نخبگان خود را به کار گیرد، می‌تواند از مسیر کاهش و فرسایش فاصله بگیرد و به الگویی از روستای کوچک اما پایدار، هویت‌مند و آینده‌دار در استان کرمان تبدیل شود.

